

گرامی باد هشت مارس روز جهانی زن

امسال روز جهانی زن، در شرایطی برگزار میشود که: اروپای متحد و امریکا و ممالک موسوم به جهان غرب، کماکان با تداوم بحران اقتصادی فراگیری روبرو هستند که بیش از 3 سال است، زندگی کارگران و اقشار کم درآمد این جوامع را تحت فشار قرار داده، دهها میلیون نفر را به آمار بیکاران این جوامع اضافه نموده، تحمیل کاهش خدمات عمومی از جانب دولتها به مردم را موجب شده، هزینه زندگی را در همه جا بالا برده و در مقابل نه فقط افزایشی در میزان دستمزدها ایجاد نشده، بلکه در موارد متعددی با کاهش دستمزدها هم مواجهیم، و . . . در مقابل این وضعیت و بیکارسازیهای میلیونی از جانب کارگران نظام سرمایه‌داری، جنبشی تحت نام "وال ستریت را اشغال کنیم" از جانب مخالفین نظم موجود در امریکا شکل گرفت و با طرح کردن شعار "ما 99%" هستیم، "شما 1%"، به اعتراضاتی گسترده و فراگیر علیه چپاولگری نظام سرمایه داری در بیشتر شهرهای بزرگ جهان ادامه یافت. در تمام این اعتراضات گسترده زنان حضور قدرتمندی داشته، و همینطور در سازماندهی و بمیدان آوردن توده‌های ناراضی از وضع موجود، نقش برجسته‌ای ایفا نمودند.

همچنین در سال گذشته، شاهد خیزش میلیونی توده‌های ستمدیده و استثمار شده در برخی کشورهای عربی شمال آفریقا و خاورمیانه، علیه نظامهای فاسد و مستبد بودیم، که به پائین کشیدن بعضی از دیکتاتورها از اریکه قدرت منجر شد و تعدادی را نیز وادار به اصلاحاتی در سیستم موجود نمود. البته سقوط برخی دیگر نیز که هنوز از سرنوشت هم کیشان خود درس عبرت نگرفته‌اند و در اوج وحشیگری به کشتار مردم می‌پردازند در راه است. در این خیزشهای مردمی، زنان مبارز و برابری طلب، علیه ستمگری و مظاهر تبعیض آمیز نظامهای مرد سالار و واپسگرا در این کشورها، به مبارزه‌ای تحسین بر انگیز و شایسته روی آوردند. تحولات بوقوع پیوسته سیاسی و اجتماعی سال گذشته چه در بعد منطقه‌ای و چه در سطح جهانی آن، هم قدرتهای بزرگ جهانی و هم دیکتاتورهای منطقه‌ای را در اقصی نقاط جهان نگران و پریشان خاطر نمود.

زنان مبارز کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا در خیزشهایی اخیر تابوی زن عرب را بگونه‌ای شکسته اند که دیگر آن تصویر قدیمی از زن عرب، بعنوان موجودات زیر دست و خانه نشین و شهروند درجه دوم، مسیر پیوستن به بایگانی تاریخ را می‌پیماید. آنها دیگر قربانیان بیصدا نیستند و دیوارهای ترسشان زمانی فرو ریخت که فریادشان علیه ستم و استبداد در خیابانهای تونس، میدان تحریر مصر، یمن، لیبی، سوریه و بحرین و . . . طنین انداز شد.

البته نباید فراموش کرد که مبارزات زنان در مصر و تونس قدمت بیشتری نسبت به سایر کشورهای عربی دارد. جنبش زنان مصر از دهه 1980 تاکنون بصورت فعال در حال پیکار برای کسب حقوق برابر با مردان بوده است. در تونس نیز بدلیل وجود سکولاریزیمی نسبتاً قوی که از سال 1957 و زمان نخست وزیری بورقبیه پایه گذاری شده، و وجود قوانینی که بمنظور دستیابی به برابری جنسیتی تصویب و در بعضی مناطق با اجرا درآمده، زنان در مورد حقوق اجتماعی خود از آگاهی نسبتاً بالایی برخوردارند و سازمانیافته تر نیز هستند. لازم به ذکر است که درصد بالای زنان باسواد (71%) در این کشور از عوامل مهم و مؤثر این آگاهی بشمار می‌رود. خیزشهای وسیع توده‌ای در کشورهای عربی و شرکت فعال زنان در این خیزشها، موجب سازمان یافتگی بیش از پیش آنها گشته است. بنا به گفته "امیره اللشکری" از بنیانگذاران یکی از سازمانهای غیر دولتی زنان در طرابلس، در لیبی سازمانهای زنان بسیاری در چند ماه اخیر بوجود آمده که در امر افزایش آگاهی زنان در زمینه های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی فعال هستند و بطور بسیار مؤثری زنان لیبی را تشویق به شرکت فعال در انتخابات و به چالش کشاندن ارتجاع مذهبی میکنند. این نوع تشکل یابیهای زنان، خود دستاورد با ارزشی است که برای پیشبرد امر مبارزات آزادیخواهانه و برابری طلبانه زنان و کسب حقوق سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی برابر با مردان باید در حفظ و تحکیم و تقویت آن کوشا بود.

اما باید به این نکته هم واقف بود که مبارزات زنان برای تحقق خواستههای انسانی و برابری طلبانه‌شان، در این کشورها با موانع و مشکلات زیادی از جانب جریانات مرتجع مذهبی و دیگر اقشار و گروههای عقب مانده و کوتاه فکر و سنت‌گرا روبرو است. از اعمال و رویدادهائی که توسط ارازل و اوباشان اسلامگرا و مدافعین مسلح آنان، طی این دوره و در برخی از این کشورها علیه زنان مبارز بوقوع پیوست، نباید غافل بود. تجاوز گروهی به "مونا النهاوی" فعال حقوق بشر پس از دستگیری در نوامبر گذشته در قاهره، تعرض جنسی به "کارولین سنز" خبرنگار فرانسوی در میدان تحریرحین مبارزات انقلابی، انجام عمل تحقیر آمیز آزمایش پرده بکارت در مورد 17 زن از مجموع 18 زن دستگیر شده از زنان مصری تظاهر کننده در 8 مارس سال گذشته از طرف ارتش برای همصدائی و اعلام همپیمانی با متعصبین و مرتجعین مذهبی و چندین رویداد دیگر که در اوج تظاهراتهای خیابانی در سایر کشورهای عربی علیه زنان اتفاق افتاده، بیانگر سختیها و دشواریهای آزار دهنده‌ای است که زنان مبارز و آزادیخواه با آن درگیرند. اینگونه رفتارهای ضد انسانی و اعمال بغایت پست و جنایتکارانه، وجدان هر کسی را که آرزوی آزادی و رهایی انسان از ظلم و ستم و استثمار را در سر دارد بشدت جریحه دار میکند و همزمان هشدار می‌دهد که تمام زنان و مردان آزادیخواه و برابری

طلب که مرتجعین و واپسگرایان فرصت طلب، برای به غارت بردن دستاوردهای حاصل مبارزات و فداکاریها و رنجهای فراوانی که توده‌های محروم و ستمدیدگان و استثمار شدگان برای سرنگونی دیکتاتورها انجام داده‌اند، در پوشش احزاب اسلامی و با نام بیداری اسلامی، بطور سازمان یافته هجوم آورده‌اند.

با پیروزی اخوان المسلمین در انتخابات مصر، احتمال برقراری قوانین ارتجاعی و زن ستیز اسلامی در آن کشور وجود دارد. در چنین حالتی، زنان آزادیخواه و برابری طلب مصری، مبارزات سخت و دشواری را پیش رو خواهند داشت. با قدرت گیری اسلامگراها خطر تحمیل قوانین پوسیده و عصر حجری از جانب آنان به جامعه مصر فزونی گرفته، قوانینی که در گذشته درصد بالایی از زنان را از دم تیغ ختنه گذرانده، و حالا میکوشد آنها را بکلی خانه نشین کند. و یا حاکمان مرتجعی که به یمن دخالت ناتو در لیبی به قدرت رسیده‌اند، در اولین سخنرانی خطاب به مردم از برقراری قوانین مطابق شریعت اسلام سخن گفته و آزادی چند همسری (شیوه بادیه نشینان 1400 سال پیش) را به مردان مسلمان نوید میدهد. این رویدادها را باید جدی گرفت. نیروهای ارتجاعی و واپسگرا، با سوء استفاده از اعتقادات مذهبی مردم محروم و ستمدیده، سوار موج اعتراضات همین مردم ستمکش و ناراضی و به تنگ آمده از ظلم و استبداد شده‌اند و دارند راه ترقی و پیشرفت این مردمان را که برای کسب یک زندگی شایسته انسان قرن بیست و یکم، به خیابانها ریختند و قربانی دادند به یغما میبرند. در صورت به اجرا گذاشتن قوانین اسلامی در این کشورها اولین قربانیان چنین اتفاقی زنان خواهند بود. این وضعیت در همه کشورهای منطقه کم و بیش صادق است و از تمامی زنان کشورهای عربی که در آنها انقلابات صورت گرفته و یا در حال بوقع پیوستن است، مبارزه‌ای آگاهانه و هدفمند در برابر چنین وضعیتی را میطلبد. بنابراین زنان چالشی همه جانبه با فرهنگ سنتی، مذهبی و قبیله ای را در پیش دارند و از این رو در رویی در برابر ارتجاع گریزی نیست. همانگونه که زنان ایران 33 سال است برای دستیابی به حقوق حقه خود متحمل انواع فشار، تحقیر، زندان، شکنجه، تجاوز، اعدام، سنگسار و... گشته‌اند، اما از پای ننشسته و همچنان به مبارزات آزادیخواهانه و برابری طلبانه خود در برابر حاکمان اسلامی ایران ادامه میدهند.

زنان مبارز و آزادیخواه!

زنان در انقلاب ایران در سال 1357 وسیعا به خیابانها آمدند و در مبارزات سراسری برای سرنگونی استبداد سلطنتی فداکارانه شرکت نمودند، اما با قدرت گیری ارتجاع مذهبی غاصب انقلاب، زنان به اولین قربانیان حاکمان اسلامی تبدیل گشتند. این رژیم سی و سه سال است به هر شیوه ای تلاش میکند جلو مبارزات آزادیخواهانه و برابری

طلبانه زنان ایران را سد کند و آنها را به کنج خانه‌ها بفرستد. جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر قوانین ارتجاعی و زن ستیز و مرد سالارانه‌اش فضایی ایجاد کرده که در آن زنان عملاً از آزادی محرومند. داشتن چهار زن برای یک مرد و چندین همسر موقت (صیغه) بطور هم‌زمان از قوانین ضد انسانی است که جمهوری اسلامی آنرا به زنان ایران تحمیل نموده است. در حاکمیت استبدادی رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی، مطابق قانون هویت انسانی زنان انکار می‌شود، و بر اساس شریعت، زنان حق دست یافتن به استانداردهای یک زندگی انسانی و برابر با مردان را ندارند.

در مبارزات مردم ایران علیه ستم و استبداد و جنایات رژیم اسلامی حاکم بر ایران در سال 1388، زنان با حضور قدرتمندی به میدان آمدند، فداکاریها و از جان گذشتگی‌های کم نظیری از خود نشان دادند، در نبردهای خیابانی علیه مزدوران جمهوری اسلامی از روحیه بسیار بالا و تحسین برانگیزی برخوردار بودند، توجه جهانیان را به ظلم و ستمگری حاکمان اسلامی ایران جلب کردند، . . . و در مجموع حضور فعال و نقش مؤثر زنان مبارز و آزادیخواه در آن خیزشها انکار ناپذیر بود. همین حضور چشمگیر و مؤثر زنان در آن خیزشها، جایگاه ویژه آنان را در مبارزات آتی توده‌های تحت ستم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی تثبیت نمود. واقعیت این است که زنان ایران به دلیل ستمهای شدیدی که بطور روزمره از جانب حاکمان اسلامی ایران بر آنان تحمیل می‌شود، از انگیزه‌ای بسیار قوی برای مبارزه علیه رژیم اسلامی ایران برخوردارند. همین جا باید خاطر نشان کرد که مبارزات زنان ایران در داخل، به دلیل حاکمیت استبداد و خشونت و سرکوب، از سازمانیابی و تشکل لازم برخوردار نیست. باید برای رفع این کمبود چاره اندیشی کرد.

سرکوب وحشیانه خیزشهای سال 1388 از جانب رژیم، موجب فرو ریزی نسبی توهم آن دسته از زنان ایران شد که به اصلاح طلبان اسلامی متوهم بودند. سیر تحولات درونی رژیم و بی خاصیت بودن اپوزیسیون اصلاح طلب، زنان آزادیخواه و برابری طلب را متوجه این واقعیت کرده که دیگر نباید امید به تغییر قوانین ارتجاعی زن ستیز در درون جمهوری اسلامی داشته باشند. البته اینرا هم نباید فراموش کرد که این دستاورد به قیمت دستگیریهای وسیع فعالان جنبش زنان، حقوق بشر، روزنامه نگاران و وکلای مدافع زنان زندانی و غیره تمام شده که در جای خود بهای گزافیست. این دستگیریها تا حدود زیادی بر کند شدن روند مبارزات زنان در داخل کشور تاثیر گذاشته است.

در حال حاضر اولویت مبارزات زنان ایران فعالیت در کمپینهای خبر رسانی و جلب حمایت مردمی و فعالان حقوق بشر و سازمانهای بین المللی از زنان در بند و فشار بر حکومت اسلامی برای آزادی زندانیان سیاسی و توقف پیگردها و دستگیریهای فعالان

جنبش زنان است. علی رغم محدودیتها و فشار بیش از حد بر مبارزان داخل کشور، جنبش زنان بشکلهای گوناگون و هر دم با ابتکاری نوین، دارد برابری طلبی را فرهنگسازی میکند.

پیوند مبارزاتی زنان ایرانی در تبعید با فعالان داخل ایران در سال گذشته به یمن ارتباطات اینترنتی گستردگی بیشتری نسبت به سالهای گذشته پیدا کرده، بر همبستگی میان آنان افزوده، و تاثیر گذاری این مبارزات بر همدیگر تحرکاتی در هر دو سو ایجاد نموده است. از جمله گذاشتن کمپینهای دفاع از زندانیان سیاسی، کمپین مبارزه علیه خشونت، کمپین ضد سنگسار، ... و همچنین جلب حمایت سازمانها و نهادهای بین المللی از مبارزات زنان در ایران و بویژه زنان در بند، در زمره این تلاشها است.

زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب!

ستم و تبعیض درمورد زنان تاریخی بس طولانی دارد. مذهب همواره توجیهگر این نابرابری بوده و هست. زنان در ایران و کردستان نیز مثل سایر ممالک خاورمیانه، بخاطر زن بودن از حقوق انسانی و از آزادی محروم هستند. جمهوری اسلامی ایران موقعیت فرو دستی را به زنان ایران تحمیل نموده و زندگی کارگران و زحمتکشان و ملت‌های تحت ستم ایران را به تباهی کشانده است. اولین گام در راه رهایی زنان ایران، لغو کلیه قوانین زن ستیزی است که رژیم اسلامی از همان آغاز قدرت گیریش به آنان تحمیل نموده است. آزادی زنان معیاری اساسی برای سنجش وجود آزادیهای دموکراتیک در یک جامعه است. برای بدست آوردن چنین موقعیتی؛ یعنی لغو قوانین زن ستیز و کسب آزادی زنان و رهایی از ستم و سرکوب، راهی جز سرنوینی جمهوری اسلامی ایران و تلاش بی وقفه برای برقراری حکومتی دموکراتیک و سکولار، وجود ندارد. در روز هشت مارس، همراه با بشریت آزادیخواه و برابری طلب، خواست آزادی و برابری زنان با مردان را به جهانیان اعلام کنیم.

زنده باد هشت مارس

زنده باد آزادی

شهادت‌حیدری 4 مارس 2012